

**چهارشنبه 7 دی 3 صفر 28 دسامبر**

شهادت زید بن علی(ع) در سال 120 هجری قمری ...

**شهادت زید بن علی(ع) در سال 120 هجری قمری**

زید فرزند امام زین‌العابدین(ع) یکی از چهره‌های معروف و درخشان خاندان ولایت و امامت است که در عصر امویان به مبارزه برخاست و با قیام خود بر ضد خلافت هشام بن عبدالملک، حکومت امویان را به لرزه انداخت.

شیخ مفید(متوفای 413 قمری) در أالرشاد، درباره شخصیت زید بن علی(ع) می‌گوید: زید بن علی بن حسین(ع) پس از برادر بزرگوارش امام محمدباقر(ع)، از سایر برادران خود بزرگوارتر و برتر بود. وی مردی پارسا، پرهیزکار، فقیه، سخاوت‌مند و دلاور بود، که شمشیر به دست گرفت و با قیام خود امر به معروف و نهی از منکر کرد و از کشندگان امام حسین(ع) خون‌خواهی نمود.

هم چنین درباره شخصیت عبادی وی، زیاد بن منذر، معروف به ابوجارود گفت: من به مدینه رفته و از هر کسی درباره زید بن علی(ع) پرسش کردم، به من گفتند: ذاك حليف القرآن؛ او، حلیف(هم سوگند)قرآن است.

هم چنین هشام بن هشام گفت: از خالد بن صفوان که شخصیت زید بن علی(ع) را برای ما تعریف می‌کرد، پرسیدم: زید را در کجا دیدار کردی؟ گفت: در رصافه کوفه.

پرسیدم: او چگونه مردی بود؟

گفت: ما علمت یبکی من خشية الله حتی یختلط دموعه بمخاطه؛ همان گونه دانستی، او از خوف خدا آن قدر گریه می‌کرد که اشک‌های وی با آب بینی‌اش درهم می‌آمیخت.

گفتنی است که پس از واقعه کربلا و شهادت ابا عبدالله الحسین(ع)، گرچه قیام‌هایی بر ضد امویان از سوی دوستان اهل‌بیت(ع) برای خون‌خواهی از شهیدان کربلا و یا برای مقاصد دیگر، به وقوع پیوست و حکومت امویان را با خطر جدی روبرو کرد، مانند قیام توابین و قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی، ولیکن از علویان تا زمان زید، قیام و حرکت مهمی پدید نیامده بود و قیام زید بن علی(ع)، سرآغاز قیام‌ها و جنبش‌های علویان بر ضد امویان و پس از آنان، بر ضد عباسیان بود.

این امر، نشان می‌دهد که در عصر غربت علویان و خاندان پیامبر(ص) که کسی را یارای مخالفت و مبارزه با امویان نبود، این علوی‌زاده دلیر با تلاش‌های بی‌دریغ خود بار دیگر دوستان اهل‌بیت(ع) و شیعیان را به حرکت درآورد و قیام بزرگی را پایه‌گذاری کرد.

از برخی روایات به دست می‌آید که شیعیان و دوستان اهل‌بیت(ع) در کوفه با آگاهی از روحیه مبارزه‌جویی زید بن علی(ع) و مخالفت پنهان و آشکار او با دستگاه خلافت بنی‌امیه، از او دعوت کردند که از مدینه به کوفه رفته و رهبریت قیام ضد اموی را بر عهده گیرد.

زید با برادر بزرگوارش امام محمدباقر(ع) در این‌باره مشورت کرد. امام(ع) وی را از زود هنگام بودن قیام و بی‌نتیجه بودن آن، باخبر کرد.

به همین جهت، زید به احترام نظر امام و برادرش امام محمدباقر(ع) در حیات آن حضرت، اقدام به قیام و مبارزه نکرد.

اما چند سال پس از شهادت امام محمدباقر(ع)، که زورگویی‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز عامل خلیفه در مدینه غیرقابل تحمل شده بود،

زید به شام رفت تا از دست وی در نزد هشام بن عبدالملک شکایت نماید. ولی هشام، نه تنها به شکایت‌های زید اعتنایی نکرد، بلکه او را از شام بیرون نمود.

این امر سبب گردید که زید، تصمیم نهایی خود را بگیرد و به سوی کوفه رهسپار گردد تا در جمع مبارزان این شهر با دستگاه خلافت به مبارزه و قیام برخیزد.

وی پس از آن که وارد کوفه شد، مردم این شهر را به طور پنهانی به مبارزه دعوت کرد و عده‌ای به او پیوستند ولی زید تعداد آنان را برای یک مبارزه کافی نمی‌دانست. به همین جهت پس از چهار ماه اقامت در کوفه، تصمیم به خروج از این شهر گرفت تا به مدینه برگردد. اما مخالفان بنی‌امیه و شیعیان که از تصمیم او آگاهی یافته بودند، به سراغش رفته و او را در قادسیه یافتند و از وی درخواست کردند که به کوفه برگردد و آنان او را به طور جدی یاری خواهند داد و نیروی رزمی و تجهیزات جنگی لازم را برایش فراهم خواهند کرد.

زید بن علی(ع) دوباره به کوفه برگشت و به مدت ده ماه در این شهر اقامت نمود و دو ماه از آن را به بصره رفته و مردم این منطقه را نیز به مبارزه دعوت کرد.

تشکیلات و نیروسازی زید چنان با برنامه و پنهان‌کاری پیش می‌رفت که یوسف بن عمر، استاندار کوفه با تمام تلاشی که به کار می‌بست، اطلاعات چندانی از او به دست نمی‌آورد. تا این که هشام، نامه‌ای به استاندار کوفه نوشت و او را از خطر قریب‌الوقوع زید بن علی(ع) با خبر گردانید.

یوسف بن عمر از آن زمان، حساس‌تر شد و با تمام تلاش در پی یافتن زید برآمد. زید بن علی(ع) با ارسال نمایندگان به برخی از شهرهای دیگر، مانند مدائن، بصره، واسط، موصل، خراسان، ری و جزیره، شیعیان این مناطق را به قیام ضد اموی دعوت کرد.

تنها در کوفه پانزده‌هزار نفر با او بیعت کرده و اعلان آمادگی برای مبارزه با دستگاه جبار اموی نمودند.

در میان بیعت‌کنندگان، فرقه‌های مختلف فقهی و کلامی اهل سنت و پیروان اهل‌بیت(ع) حضور داشتند و همگان در مبارزه بر ضد امویان هم‌رأی شده بودند.

یوسف بن عمر برای یافتن زید، اقدام به کارهای مختلفی نمود و فضای کوفه را بسیار تیره و تار کرد. همین امر سبب گردید که زید بن علی(ع) یک هفته زودتر از موعد مقرر قیامش را آغاز نماید. بدین جهت تعداد کمی از بیعت‌کنندگان توانستند خود را به زید رسانیده و در رکاب او حاضر شوند.

زید در روز اول صفر سال 120 قمری (به روایتی 121 و به روایتی دیگر 122) با شعار "یا منصور امت امت" که شعار پیامبر(ص) در جنگ بدر بود، قیام خود را آغاز کرد. تعداد یاران او از 220 تا 500 تن تجاوز نمی‌کرد. آنان که با سپاهیان یوسف بن عمر و سپاهیان که از شام آمده بودند به جنگ و گریز پرداختند. درگیری میان طرفین، دو روز ادامه یافت. تعداد زیادی از سپاهیان شامی به دست یاران زید کشته و زخمی شدند.

با این که یاران زید نسبت به شامیان و سپاهیان یوسف بن عمر بسیار اندک بودند، در عین حال، دو روز مبارزه را با سرافرازی به پیش بردند.

اما در گرما گرم نبرد تیری به پیشانی زید بن علی(ع) اصابت کرد و او را از کار انداخت. یارانش با فرارسیدن شب، پراکنده شده و تعداد اندکی از آنان، بدن نیمه جان وی را در خانه یکی از شیعیان مخفی کرده و برای درمانش پزشکی آوردند. پزشک پس از تلاش زیاد، چاره‌ای جز بیرون آوردن پیکان تیر از پیشانی زید ندید. اما همین که تیر را بیرون آورد، روح شریفش از بدن مفارقت کرد و به لقاءالله پیوست.

یاران و فرزندان او، بدنش را در جویی دفن نموده و بر روی آن آب روان جاری کردند.

از زید بن علی(ع) در هنگام شهادتش، چهل و دو سال گذشته بود.

بازماندگان سپاه زید و فرزندان او، از جمله یحیی بن زید، پس از دفن بدن وی، پراکنده شده و بسیاری از آنان، توانستند از کوفه گریخته و به شهرهای دیگر روند.

یوسف بن عمر که برای پیدا کردن جسد زید، جایزه مهمی تعیین کرده بود، با راهنمایی یکی از آنانی که شاهد دفن وی بود، مدفن او را پیدا کرد و پس از نبش قبر، سرش را از بدن جدا کرد و برای هشام بن عبدالملک در شام فرستاد و بدنش را در محله کناسه کوفه به دار آویخت.

به همراه زید، بدن برخی از یاران نزدیک او چون نصر بن خزیمه، معاویه بن اسحاق و زیاد بن عبدالله فهری نیز به دار آویخته شد.

بدین ترتیب، قیامی که می‌رفت ریشه ظلم و تجاوز را در جامعه اسلامی، به ویژه در منطقه عراق به خشکاند و نهال عدالت اسلامی را بارور کند، به دست دژخیمان خلیفه اموی به شکست و نابودی کشیده شد.

این واقعه، به همان صورتی که امام محمدباقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) پیش‌گویی و پیش‌بینی کرده بودند، واقع گردید.

به دستور دستگاه خلافت، جسد زید و یارانش بر بالای چوبه‌های دار باقی ماندند و برای پاسداری از آن‌ها، چهارصد نفر را مأمور کردند.

پس از گذشت چهار سال که یحیی فرزند زید در خراسان قیام کرد و به شهادت رسید و سرش را نزد ولید بن یزید(دهمین خلیفه امویان) در شام بردند، وی دستور داد تا جسد زید را آتش زده و خاکسترش را بر باد دهند.

**درگذشت سید احمد ادیب پیشاوری حکیم، ادیب و شاعر در سال 1349 هجری قمری**

سید احمد ادیب پیشاوری حکیم، ادیب و شاعر گرانقدر قرن اخیر در سال 1349 هجری قمری در تهران درگذشت. او در پیشاور پاکستان متولد شد و تحصیلاتش را در غزنین، خراسان و سبزوار به پایان رساند. ادیب پیشاوری از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری بود و مراتب عالی فلسفه را از وی آموخت. سپس به مطالعه کتابهای ادبی و سرودن شعر پرداخت.

**تولد &#171; حجة الحق ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا « در سال 370 هجری قمری**

&#171; حجة الحق ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا « ملقب به &#171; شَرْفُ الْمَلِكِ « و &#171; شیخ الرئیس « از نوابغ و دانشمندان نامدار جهان و از حکیمان بزرگ ایران و اسلام در سال 370 هجری قمری در قریه خورمثن خراسان بدنیا آمد. این نابغه دوران کودکی قرآن و برخی از دانشها چون منطق، هندسه و نجوم را آموخت. سپس به تحصیل علوم طبیعی، مابعدالطبیعه و طب پرداخت. ابن سینا در دوران جوانی به سبب تحصیل علوم معالجه نوح بن منصور سامانی از کتابخانه و ارزشمند او بهره مند شد و با مطالعه کتابهای فراوان بردانش خویش افزود. از جمله کسانی بود که از نظر هوش و استعداد در حد کمال انسانی و در کار تحقیق بسیار دقیق و نکته سنج بود. ابوعلی سینا در مشرق فیلسوفی توانا بشمار می‌رود و در مغرب به طبیعی حاذق شهرت دارد. فلسفه ابن سینا مشتایی و متأثر از فلسفه نو افلاطونی اسلامی است. ابن سینا نخستین کسی است که کتابهای جامع و منظم فلسفی در باب اسلام نوشت. از میان آثار ارزشمند دانشمند نابغه ابوعلی سینا &#171; نجات، انتشارات، قانون، شیفا و دانشنامه علایی « را می‌توان نام برد.

**رحلت شیخ محمد علی شاه آبادی در سال 1369 هجری قمری**

**ولادت :**

میرزا محمد علی شاه آبادی در سال 1294 هجری قمری در یک خانواده عالم خیز و علم دوست در شهر اصفهان متولد شد.

**خاندان :**

پدرش مرحوم شیخ محمد جواد حسین آبادی اصفهانی از برجسته ترین شاگردان (صاحب جواهر) بوده و از او اجازه اجتهاد و روایت داشته است.

**تحصیلات :**

مقدمات علوم را از محضر پدر بزرگوارش فرا گرفت و سپس برای تکمیل مراتب علمی به نجف اشرف رهسپار گردیده و بعد از درک و استفاده از محضر اساتید آنجا به سامرا رفته و در درس علمای آن سامان نیز شرکت کرد و به درجه اجتهاد نائل آمد، با اینکه مرحوم میرزای دوم و یکی دیگر از اساتیدش تمایل داشتند که معظم له در این حوزه علمیه بمانند ولی بنابر اصرار والده محترمه خود، به ایران آمد.

اساتید :

وی در محضر بزرگانی چون :

1 - مرحوم شیخ محمد کاظم خراسانی.

2 - مرحوم شیخ فتح الله شریعت اصفهانی.

3 - مرحوم میرزا حسین خلیلی.

4 - برادرش مرحوم آقا شیخ احمد بیدآبادی.

5 - میرزا حاج هاشم خوانساری چهار سوقی.

6 - مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی.

7 - مرحوم میرزا هاشم گیلانی.

8 - مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم).

شرکت جست و از افاضات آن بزرگواران بهره های فراوان برد.

شاگردان :

مرحوم شاه آبادی در سال 1347 هجری قمری به حوزه نو پای قم آمد و به تربیت و تعلیم طلاب علوم دینی همت گماشت و شاگردان وارسته و مبرزی را تربیت کرد که هر کدامشان توانستند چون خورشید فروزانی جوامعی را از انوار خود روشن کنند. بر جسته ترین شخصیتی که از انوار علوم ربانی این عارف کامل اقتباس کرده و برکات انفاس قدسیه اش، توشه ها بر گرفته، حضرت امام خمینی (ره) است. که در حدود هفت سال در رشته عرفان و فلسفه از ایشان بهره گرفت.

تألیفات :

تألیفات و آثار علمی آن مرحوم دارای محتوای غنی و نشان دهنده ابتکار و مقام بلند علمی ایشان است برخی از آنها عبارتند از :

1- شذرات المعارف

2- القرآن و العتره

3- الایمان و الرجعه

4- الانسان و الفطره

5- رشحات المعارف

6- مفتاح السعاده فی الاحکام العباده

7- حاشیه کفایه الاصول خراسانی در اصول فقه

8 - منازل السالکین در عرفان

9- رساله العقل و الجهل

10- رساله در نبوت

گفتار بزرگان :

حضرت امام خمینی (ره) در حق استاد خود فرمودند : من در طول عمرم روحی به لطافت و ظرافت آیت الله شاه آبادی ندیدم.

خصوصیات اخلاقی :

اولین ویژگی این عارف واصل، سجایای اخلاقی خاص و ظریف ایشان بوده است.

و نیز از ویژگی های ایشان بود که با این مقام والای علمی، اصرار داشت برای عموم مردم صحبت کرده و معارف الهی را به آنان تعلیم و تفهیم کند و گاهی که به ایشان عرض می شد این مطلب را معلوم نیست غیر اهل علم بفهمند و درک کنند، جواب می دادند بگذارید این مطالب به گوش همین ها هم بخورد.

فعالیت :

وی بعد از مراجعت از عراق در تهران سکونت گزید و در مسجد (سراج الملك) یعنی مسجدی که جدش در آن اقامه نماز می نمود به ترویج و تبیین معارف اسلام پرداخت.

معظم له به سال 1354 هجری قمری بعد از هفت سال کوشش و تلاش و تربیت نفوس مستعد به تهران مراجعت نمود و در آنجا به ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و حکمت پرداخت و سپس در شبستان مسجد جامع، اقامه جماعت کرده و از مسجد به عنوان سنگری برای مبارزه علیه دولت جابر وقت استفاده کرد و در زمانی که رضا خان تصمیم جدی بر تعطیل مساجد و محافل مذهبی گرفته بود، ایشان مقاومت کرده و همچنان به وظایف شرعی و روشنگری ادامه می داد.

وفات :

سرانجام، این فقیه پارسا و عارف با تقوا پس از 77 سال زندگی پر برکت، در روز پنج شنبه سوم صفر سال 1369 هجری قمری در تهران بدرود حیات گفت و به لقاء خدای خود شتافت و جنازه مطهرش با تجلیل و تکریم فراوان به شهر ری انتقال داده شد و در زاویه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی دفن گردید.

شهادت آیت الله حاج شیخ حسین غفاری آذرشهری در سال 1353 هجری شمسی

آیت الله حاج شیخ حسین غفاری آذرشهری در سال 1353 هجری شمسی در زندان رژیم خودکامه پهلوی بدست شکنجه گران ساواک به شهادت رسید. آیت الله غفاری تحصیلاتش را در زادگاهش آذرشهر سپس قم پایان رساند. او بعد از کودتای 28 مرداد مجله ای هفتگی بنام «الذین والحيات» منتشر کرد. این مجله بعد از مدتی توقیف شد و آیت الله غفاری تحریر کتاب هایش را شروع کرد و از سال 1341 شمسی با ایراد سخنرانی های سیاسی به افشای مفاصد رژیم پهلوی پرداخت عاقبت پس از مجالس متعدد سخنرانی در شب دوازدهم محرم الحرام سال 1342 شمسی هنگامیکه از مراسم سخنرانی بازمی گشت، رژیم او را دستگیر و زندانی کردند. آیت الله غفاری سرانجام در تیرماه در تهران دستگیر شد و پس از شکنجه های بسیار به دست عمال سرسپرده در حالیکه جسمش متلاشی شده بود به شهادت رسید.

تشکیل نهضت سواد آموزی به فرمان امام در سال 1358 هجری شمسی

فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر تشکیل نهضت سوادآموزی و بسیج عمومی برای مبارزه با بیسوادی در سال 1358 هجری شمسی صادرشود. در آن زمان به همه مردم توصیه شده بود که در این امر مهم شرکت کنند و شخصاً در راه سوادآموزی بیسوادان کشور بکوشند. حضرت امام خمینی(ره) تأکید فرمودند که هر کس در هر جا به هرنحوی که از دستش برمی آید بیسوادان را یاری کند تا آنها نیز از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار گردند. متعاقب این فرمان نهضت سوادآموزی به منظور سازماندهی به این امر مهم ایجاد شد. در بخشی از پیام تاریخی حضرت امام(ره) در این باره آمده است: «#171؛ مایه بس خجالت است که کشوری که مهد علم و ادب بوده در سایه اسلام زندگی می کند که طلب علم فریضه دانسته است از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید درسهایی از مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم و اکنون بدون ازدست دادن وقت برای مبارزه با بیسوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کرد انشاءالله در آینده نزدیک هر کس نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد؛ برای این امر لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باز برای یاد دادن بپاخیزند».

متن پیام امام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ن و القلم و مایسترون (قرآن کریم)

ملت شریف ایران! شما می دانید که در رژیم گذشته آنچه که بر ملت مبارز ایران سایه افکنده بود، علاوه بر دیکتاتوری و ظلم، تبلیغات بی محتوی و هیچ را همه چیز جلوه دادن بود، ملتی که در همه ابعاد از حواجج اولیه محروم بود وانمود می شد که در اوج ترقی است. از جمله حواجج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن، بلکه مهمتر از آنها است، آموزش برای همگان است. مع الاسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند، چه رسد به آموزش عالی. مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید در برنامه دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم و اکنون بدون دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده برای مبارزه با بیسوادی بطور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا انشاء الله در آینده نزدیک، هر کس نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد. برای این امر لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران با سواد برای یاد دادن بپاخیزید و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بپا خیزد و از قرطاس بازی و تشریفات اداری بپرهیزد و برادران و خواهران ایمانی برای رفع این نقیصه درآورد بسیج شوید و ریشه این نقص را از بن برکنید. تعلیم و تعلم عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، با سوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد دهند و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی، اعضای با سواد خانواده اعضای بیسواد را تعلیم کنند و بیسوادان از این امر سرپیچی نکنند. من از ملت عزیز امید دارم که با همت والای خود، بدون فوت وقت، ایران را به صورت مدرسه ای درآورند و در هر شب و روز در اوقات بیکاری، یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند. بپا خیزید که خداوند متعال با شما است. از خداوند تعالی سعادت و سلامت و رفاه ملت شریف را خواستارم.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

روح ... موسوی خمینی

استقلال کشور آندورا در سال 278 میلادی

کشور آندورا استقلال کشور آندورا در سال 278 میلادی استقلال یافت. آندورا پس از استقلال مدتها تحت حاکمیت مشترک اسقف اسپانیایی و کنت دُنوی فرانسه بود اما بعد از سالها درگیری میان مالکان اسپانیایی و فئودالهای فرانسوی بر سر تصرف این سرزمین سرانجام بنا به تقلید مردم آندورا در سال 1806 میلادی این کشور بطور رسمی کشوری مستقل اعلام موجودیت کرد. با این حال همچنان رئیس جمهور آن تحت نظر دولت های فرانسه و اسپانیا انتخاب می شد و کلیسای اسپانیا و رئیس جمهور فرانسه به طور مشترک اداره این سرزمین را به عهده داشتند. نمایندگان این دو کشور هنوز به منزله رئیس ان حکومت در رهبری سرزمین آندورا حضور دارند. آندورا جمهوری کوچکی است که در کوه های پیرنه در جنوب غربی اروپا میان اسپانیا و فرانسه قرار گرفته است.

نمایش عمومی اولین فیلم سینمایی در تاریخ سینما در سال 1895 میلادی

نخستین بار در تاریخ سینما يك فیلم سینمایی در سال 1895 میلادی به نمایش عمومی درآمد. این فیلم را برادران تومیر مخترعان معروف فرانسوی و بنیانگذاران صنعت فیلم و سینما تهیه کرده بودند و محل نمایش آن نیز زیرزمینی در شهر پاریس بود. در سالهای بعد دستگاههای جدید دیگری در آمریکا و دیگر کشورها ساخته شد و بتدریج سینماهای متعددی در شهرهای مختلف دایر شد و فنّ تصویربرداری متحرک بر روی نوارهای سلولوئیدی به هنر هفتم یا سینما مبدل شد.